

عنوان مقاله:

تأثیر خودشناسی بر ایجاد کیفیت زیستی در معماری مکان های مذهبی (نمونه موردی: مسجد جامع دزفول)

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره 13، شماره 49 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

احمد صراف زاده - دانشگاه هنر اسلامی تبریز

مینو قره بگلو - دانشگاه هنر اسلامی تبریز

محمدعلی کی نژاد - دانشگاه هنر اسلامی تبریز

خلاصه مقاله:

یکی از جنبه های تعاملی انسان، ارتباط با خود است که در این رابطه از یک طرف انسان به عنوان موجودی خودآگاه و در طرف دیگر، خود واقعی انسان قرار می گیرد. به نحوی که حواس مشترک، متاثر از ماهیت وجودی وی بوده و بر کیفیت زیستی تأثیر می گذارد. کیفیت زیستی در سطوح مختلف ایجاد شده و در تعامل با انسان، محیط را شکل می دهد. همچنین هدف پژوهش ارزیابی جنبه های زیستی موثر بر روابط درونی خودشناسی میان انسان و کالبد معماری می باشد. تحقیق حاضر تلفیقی از روش های کمی و کیفی است که در جنبه کیفی، با استفاده از توصیف، مشاهده و مطالعه کتابخانه ای و در جنبه کمی از داده های عددی و تحلیل به روش علمی کوداس استفاده می شود. یافته های تحقیق گویای شکل گیری رابطه ای درونی است که بر کیفیت محیط تأثیر گذاشته و متاثر از جنبه های خودشناسی انسان؛ سطوح کیفی مختلفی را ایجاد می کند. همچنین نتیجه این پژوهش نشان داد که طراحی هدفمند در جهت شکل دهی به کیفیت زیستی، به ترتیب متاثر از حواس مشترک ایمان، زمان، وحدت، حضور، مکان، امان و آگاهی می باشد. به طوری که در رابطه ای مستقیم میان مولفه های مستقل (کالبدی فضایی، جمعی رفتاری، ادراکی روانی) و مولفه های وابسته (حواس مشترک) شکل گرفته و بستری برای دستیابی به زیستی مطلوب است. بنابراین می توان این موضوع را ناشی از رابطه درونی میان سه جنبه آگاهی بر خود، حواس مشترک و معماری در نظر گرفت که باتوجه به رابطه میان مولفه های مستقل و وابسته در معماری شکل می گیرد.

کلمات کلیدی:

یکی از جنبه های تعاملی انسان، ارتباط با خود است که در این رابطه از یک طرف انسان به عنوان موجودی خودآگاه و در طرف دیگر، خود واقعی انسان قرار می گیرد. به نحوی که حواس مشترک، متاثر از ماهیت وجودی وی بوده و بر کیفیت زیستی تأثیر می گذارد. کیفیت زیستی در سطوح مختلف ایجاد شده و در تعامل با انسان، محیط را شکل می دهد. همچنین هدف پژوهش ارزیابی جنبه های زیستی موثر بر روابط درونی خودشناسی میان انسان و کالبد معماری می باشد. تحقیق حاضر تلفیقی از روش های کمی و کیفی است که در جنبه کیفی، با استفاده از توصیف، مشاهده و مطالعه کتابخانه ای و در جنبه کمی از داده های عددی و تحلیل به روش علمی کوداس استفاده می شود. یافته های تحقیق گویای شکل گیری رابطه ای درونی است که بر کیفیت محیط تأثیر گذاشته و متاثر از جنبه های خودشناسی انسان؛ سطوح کیفی مختلفی را ایجاد می کند. همچنین نتیجه این پژوهش نشان داد که طراحی هدفمند در جهت شکل دهی به کیفیت زیستی، به ترتیب متاثر از حواس مشترک ایمان، زمان، وحدت، حضور، مکان، امان و آگاهی می باشد. به طوری که در رابطه ای مستقیم میان مولفه های مستقل (کالبدی فضایی، جمعی رفتاری، ادراکی روانی) و مولفه های وابسته (حواس مشترک) شکل گرفته و بستری برای دستیابی به زیستی مطلوب است. بنابراین می توان این موضوع را ناشی از رابطه درونی میان سه جنبه آگاهی بر خود، حواس مشترک و معماری در نظر گرفت که باتوجه به رابطه میان مولفه های مستقل و وابسته در معماری شکل می گیرد.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1872616>



